

مفهوم اهمیت در حسابرسی

تعریف اهمیت

تعریفی از مفهوم اهمیت که عمدتاً به عنوان مرجع در نوشتارهای حرفه‌ای از آن استفاده می‌شود، تعریفی است که هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی طی بیانیه شماره دو^۵، به شرح زیر ارائه داده است:

"اطلاعاتی با اهمیت است که ارائه، تغییر و یا عدم ارائه آن بتواند قضاوت شخص معقولی که به این گزارش اعتماد می‌نماید را تغییر داده و یا بر فرایند تصمیمگیری وی اثر گذارد" (پارسائیان، ۱۳۸۴).

مفهوم اهمیت در استاندارد حسابداری شماره یک ایران بدین صورت تعریف شده است:

"اطلاعاتی با اهمیت تلقی می‌شود که عدم افشای آن بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان که بر مبنای صورتهای مالی اتخاذ می‌شود، موثر واقع شود" (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۵).

همچنین در بخش ۳۲ استانداردهای حسابداری ایران، اهمیت به شرح زیر تعریف شده است: "اطلاعاتی با اهمیت تلقی می‌شود که عدم ارائه یا ارائه نادرست آن بتواند قضاوت و تصمیمگیری یک استفاده‌کننده منطقی از صورتهای مالی را درباره امور واحد اقتصادی تغییر دهد. درجه اهمیت اقلام، به کمیت، ماهیت و شرایط ایجاد آنها و همچنین نوع و اندازه واحد اقتصادی بستگی دارد. تعیین اینکه چه چیز با اهمیت می‌باشد، مستلزم قضاوت حرفه‌ای است" (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۵).



دکتر داریوش فروغی و محسن خالقی

مقدمه

اهمیت^۱ یکی از مفاهیم^۲ فراگیر در حسابداری و حسابرسی است که مشترکاً ولی با کاربردی جداگانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بیانیه شماره چهار هیئت اصول حسابداری^۳، مفهوم اهمیت به عنوان یکی از اصول محدوده‌کننده^۴ یا به عبارتی میثاقهای تعدیل‌کننده، طبقه‌بندی شده است.

سیر تکاملی مفهوم اهمیت

مفهوم اهمیت در حرفه حسابداری و حسابرسی سابقه طولانی دارد و همواره یکی از موضوعات بحث برانگیز بوده است. این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۳۰ به حرفه حسابداری و حسابرسی راه یافت. بین دهه ۱۹۳۰ الی ۱۹۷۰ تحقیقاتی به منظور یافتن عوامل موثر بر قضاوت‌های مربوط به تعیین سطح اهمیت و همچنین پیشنهاد رهنمود کمی برای تعیین آستانه اهمیت انجام شد. این تحقیقات منجر به تغییرگرایش عموم متخصصان پیرامون قضاوت‌های مربوط به تعیین سطح اهمیت به سمت دیدگاه استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی شد.

براین اساس از سال ۱۹۷۰ به بعد مراجع حرفه‌ای حسابداری اقدام به انجام تحقیقاتی در این زمینه نمودند و در این تحقیقات تلاش‌هایی جهت تدوین رهنمودهای اهمیت انجام گرفت. نتایج حاصل از تحقیقات انجام شده توسط مراجع حرفه‌ای به شرح زیر می‌باشد:

۱- گروه تحقیق بین‌المللی حسابداری (IFAC, 1974)، مطالعه‌ای جامع در خصوص اهمیت انجام داد. نتایج این مطالعه چنین اعلام شده است:

الف) اهمیت اساساً یک موضوع قضاوتی است و هر موردی که تصمیمگیری استفاده‌کننده را تحت تاثیر قرار دهد بااهمیت است.

ب) یک مبلغ به تنهایی به علت بزرگی رقم، بااهمیت نیست بلکه عواملی چون ماهیت قلم (در تعیین سود خالص موثر باشد، افشای آن طبق قوانین و مقررات الزامی باشد و...) و ارتباط آن با سایر عوامل (در سطح کلیت صورت‌های مالی، مبلغ مرتبط در سالهای قبل، مبلغ مورد انتظار در

سالهای آینده و...) باید مورد توجه قرار گیرد.

۲- انجمن حسابداران استرالیا (ICAA, 1974)، در بیانیه استاندارد حسابداری اهمیت، بر موارد زیر تأکید دارد:

الف) در بررسی اقلام هم‌طبقه یا مشابه، باید علاوه بر ملاحظه جداگانه، مجموع این اقلام نیز مورد توجه قرار گیرد.

ب) اقلام موثر بر سودوزیان و همچنین اقلام غیرعادی باید با سود عملیاتی سال جاری یا میانگین پنج ساله سود خالص مقایسه شوند.

پ) اقلام موثر بر ترازنامه با جمع سرمایه و اندوخته‌ها و نیز جمع طبقه مرتبط مثل داراییهای جاری مقایسه شوند.

ت) اگر یک قلم با مبالغ پایه در موارد «ب» و «پ» فوق مقایسه شود، نتایج دقیقتری را به همراه دارد.

۳- در سال ۱۹۷۴ انجمن حسابداران خبره انگلستان معیار ۵ تا ۱۰ درصد سود خالص را به‌عنوان رهنمود کمی اهمیت (سطح اولیه) معرفی نمود و این معیار تحت عنوان قاعده سرانگشتی، مبنای قضاوت حرفه‌ای حسابرسان قرار گرفت. این رهنمود نیز با مشکلاتی همراه بود که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

الف) پاتیلو (Pattilo, 1974) در تحقیقات خود دریافت که رهنمود ۵ تا ۱۰ درصد سود خالص برای موسسات زیانده یا موسساتی که در نقطه سرپرس عملکرد هستند، کاربردی ندارد. بسیاری از پرسش‌شوندگان تحقیق پاتیلو معتقد بودند که «نمی‌توان سطح اهمیت را برای موسسات سرپرس به صفر رسانید یا آن را برای سالهای زیاندهی منفی تلقی کرد».

ب) یکی دیگر از مشکلات مبنای سود خالص جهت تعیین سطح اهمیت، اثر تغییر رویه‌های حسابداری بر سود خالص می‌باشد.

۴- هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی امریکا (FASB, 1975)

جهت فراهم کردن زمینه مناسب برای تهیه رهنمود اهمیت، کلیه تحقیقات انجام شده تا آن سال را مورد بررسی قرار داد و مدارک جامعی تحت عنوان یادداشت مباحثه^۶ در مورد سرفصلهای عمده اهمیت منتشر کرد. هدف این مطالعه تدوین معیارهایی برای قضاوت‌های مربوط به تعیین سطح اهمیت بود که کاربرد عملی برای اقلام مختلف در شرایط متفاوت را دارا باشد و به‌کارگیری آن منجر به یکنواختی و افشای کافی اطلاعات در گزارشهای مالی گردد. اگر چه این یادداشت به دلیل عدم توافق صاحب‌نظران، رهنمود مشخصی را ارائه نداد اما نتیجه این تحقیق در سال ۱۹۸۰ به عنوان قسمتی از ضوابط بیانیه چارچوب مفهومی حسابداری مالی تحت عنوان ویژگیهای کیفی اطلاعات مالی منتشر شد. در این بیانیه موارد زیر بیان شده است:

الف) قضاوت‌های مربوط به اهمیت اقلام، عموماً کمی هستند، اگر چه ماهیت کیفی اقلام نیز موثر می‌باشد. برای مثال اقلام کوچک ناشی از معاملات جاری اگر چه کم اهمیت محسوب می‌شود، ولی چنانچه ناشی از شرایط غیر عادی باشد، بااهمیت تلقی می‌گردد.

ب) هرچه قلم مورد قضاوت از نظر ماهیت مهمتر باشد، غربال دقیقتری جهت تعیین اهمیت آن لازم است.

پ) در اغلب موارد، اندازه نسبی یک قلم مورد قضاوت جهت تعیین اهمیت آن، مورد

استفاده قرار می‌گیرد.

یکی از عوامل مهم در قضاوت‌های اهمیت، قابلیت اندازه‌گیری قلم مورد قضاوت است، به عبارتی هرچه قابلیت اندازه‌گیری کاهش می‌یابد، سطح اهمیت افزایش می‌یابد.

ث) در مقوله اهمیت باید ویژگی مربوط بودن و مرز اهمیت مورد توجه قرار گیرد. برای مثال، اقلامی که به طور انفرادی و یا مجموع آنها، نسبت به کل صورتهای مالی با اهمیت نیستند، ضرورت به افشای جداگانه ندارند.

۵- **انجمن حسابداران رسمی آمریکا** (AICPA, 1983)، در سال ۱۹۸۳ استاندارد حسابرسی شماره ۴۷ را با عنوان «کاربرد اهمیت و احتمال خطر حسابرسی» منتشر کرد. این استاندارد ضمن مرتبط کردن مفهوم اهمیت با احتمال خطر حسابرسی، به این مطلب اشاره کرده است که تعیین سطح اهمیت در مراحل برنامه‌ریزی و ارزیابی نهایی ممکن است متفاوت باشد. اهم موارد ذکر شده در این استاندارد به شرح زیر می‌باشد:

الف) مفهوم اهمیت در حسابداری، به منظور گزارش منصفانه صورتهای مالی، اقلامی که به صورت جداگانه و یا در مجموع با اهمیت تلقی می‌شوند را مشخص می‌نماید.

ب) حسابرسان در اجرای فرایند حسابرسی، هیچ مسئولیتی در قبال تحریفهای کم اهمیت کشف شده در صورتهای مالی ندارند. خواه این تحریفها ناشی از تقلب و یا ناشی از اشتباه باشند.

در نهایت در سال ۲۰۰۶ استاندارد حسابرسی شماره ۱۰۷ آمریکا (AICPA, 2006)، تدوین و پس از انتشار جایگزین استاندارد حسابرسی شماره ۴۷ با همان عنوان قبلی، گردید.

این استاندارد بیان می‌کند که تعیین رقم اهمیت، یک مبنای مناسب برای قضاوت حرفه‌ای می‌باشد و سطح اهمیت برای دو واحد تجاری، هم از نظر اندازه و هم از نظر ماهیت تفاوت دارد. همچنین سطح اهمیت برای یک واحد تجاری در دو سال متوالی می‌تواند متفاوت باشد. برخلاف استاندارد شماره ۴۷، این استاندارد حسابرسان را ملزم نموده تا سطح اهمیتی که به عنوان مبنای قضاوت، جهت ارزیابی صورتهای مالی به کار برده‌اند را مستند نمایند.

طبق استاندارد حسابرسی شماره ۱۰۷ آمریکا، حسابرسان می‌بایست حسابرسی را به شکلی اجرا نمایند که خطر حسابرسی را به حداقل سطح برای یک اظهار نظر مناسب نسبت به صورتهای مالی کاهش دهند. خطر حسابرسی به معنای اظهار نظر نادرست نسبت به صورتهای مالی حاوی اشتباه و یا تحریف با اهمیت، می‌باشد. مطابق این استاندارد خطر حسابرسی ناشی از حاصل ضرب خطر ذاتی، خطر کنترل و خطر عدم کشف می‌باشد. حسابرس می‌تواند با کاهش خطر عدم کشف از طریق گردآوری بیشتر شواهد، خطر حسابرسی را تا سطح قابل قبول برای اظهار نظر مناسب نسبت به صورتهای مالی، کاهش دهد.

کاربرد اهمیت در فرایند حسابرسی

مفهوم اهمیت برای حسابرسان راهنمائی است در برنامه‌ریزی حسابرسی، جمع‌آوری و ارزیابی شواهد و تصمیمات گزارش‌دهی حسابرسی، بنابراین می‌توان گفت که هیچ کار حسابرسی بدون توجه به ملاحظات اهمیت به انجام نمی‌رسد.

در بیانیه شماره ۴۷ استانداردهای

حسابرسی پاراگراف ۱۲ آمده است: «حسابرس باید جهت کشف خطاهایی که منفرداً یا در مجموع از نظر مقداری در صورتهای مالی با اهمیت تلقی می‌شوند، برنامه‌ریزی اولیه نماید.» این جمله بدان معناست که حسابرس باید در برنامه‌ریزی اولیه خود، مبلغی را به عنوان آستانه اهمیت در کل صورتهای مالی و در سطح مانده حسابها تعیین نماید. در این مرحله، اهمیت را می‌توان حد مجاز خطا یا اشتباه قابل تحمل در صورتهای مالی دانست. حسابرس، این مبلغ را که معمولاً با استفاده از «قاعده سرانگشتی» (۵ تا ۱۰ درصد سود خالص) تعیین می‌شود، به عنوان راهنمای روشهای حسابرسی خود به کار می‌گیرد. البته ممکن است حسابرس با توجه به اطلاعات جدید و نتایج آزمونهای حسابرسی در این قضاوت اولیه اهمیت تجدید نظر کند (زارعی، ۱۳۷۴).

در مرحله ارزیابی نهایی و اظهار نظر حرفه‌ای، حسابرس باید میزان اهمیت مجموع اشتباهات و یا تحریفهای کشف شده در جریان حسابرسی را از طریق مقایسه مجموع آنها با برآورد اولیه اهمیت، تعیین نماید. چنانچه این‌گونه اشتباهات و یا تحریفها با اهمیت باشد باید از مدیریت واحد مورد رسیدگی درخواست اصلاح صورتهای مالی را بنماید. در صورتیکه مدیریت از اصلاح صورتهای مالی امتناع ورزد، حسابرس می‌تواند بر اساس میزان اهمیت تحریفها، اظهار نظر مشروط یا مردود ارائه کند. در این مورد، حتی در صورت اصلاح اشتباه کشف شده، حسابرس باید روشهای حسابرسی را جهت کاهش احتمال خطر حسابرسی به میزان قابل قبول، گسترش دهد (کثیری و حساس‌یگانه، ۱۳۸۲).

سطوح اهمیت

در متون حسابرسی از دو سطح اولیه و ثانویه برای اهمیت نام برده می‌شود. سطح اولیه اهمیت، که دارای بیشترین کاربرد در حسابرسی می‌باشد، سطحی از اهمیت است که برای خطا در سود گزارش شده به‌کار می‌رود. اگر خطاهای موثر بر سود، از سطح اولیه اهمیت تجاوز نماید، حسابرس خواهان اصلاح صورتهای مالی توسط مدیریت می‌شود و در صورت عدم اصلاح خطاهای مزبور توسط مدیریت، حسابرس گزارش غیر مقبول ارائه می‌نماید. حسابرس باید از سطح اولیه اهمیت در برنامه‌ریزی کار حسابرسی استفاده نماید زیرا در نهایت هدف حسابررس دستیابی به این اطمینان معقول است که جمع چنین خطاهایی بااهمیت نباشد.

سطح کاربرد اهمیت به‌جز خطاهای سود را می‌توان به‌عنوان سطح ثانویه اهمیت نامگذاری کرد. این سطح معمولاً بیشتر از سطح اولیه اهمیت است. به‌عنوان نمونه، حد مجاز انحراف برای خطاهای طبقه‌بندی و افشا معمولاً بزرگتر از سطح خطاهای انحراف سود است. مثلاً، در یک شرایط معین، تحریف ۱۰۰ میلیون ریال در سود خالص ممکن است با اهمیت تلقی شود، اما خطای طبقه‌بندی به همین مبلغ بین حسابهای دریافتی و موجودیتهای بی‌اهمیت

تلقی می‌گردد. البته، حد مجاز انحراف برای خطاهای طبقه‌بندی بستگی به ماهیت خطا دارد. مثلاً خطای طبقه‌بندی بین حسابهای دریافتی و موجودیها که نه سرمایه در گردش و نه نسبت جاری را به هم می‌زند احتمالاً کم اهمیت‌تر از خطای طبقه‌بندی بین موجودیها و داراییهای ثابت است (Arens and Loebecke, 1974).

از طرفی اهمیت، مفهومی قضاوتی است که مبنای درجه‌بندی آن قضاوت انسانی است. این قضاوت زمانی به‌درستی صورت می‌گیرد که توسط افرادی ذیصلاح و مطلع که به کلیه اطلاعات دسترسی دارند اعمال گردد. سطوح اهمیت معمولاً در موارد معین توسط حسابرسان تعیین می‌شود و می‌تواند میان حسابرسان، شرکتها و حتی از نظر یک حسابرس مشخص در طول زمان با تغییرات عمده‌ای مواجه گردد. علاوه بر این استفاده‌کنندگان خارجی صورتهای مالی، از سطح اهمیت تعیین شده توسط حسابرس مطلع نمی‌شوند.

پیشنهاد یک راه حل

تحقیقات تجربی بیانگر آن است که در شرایط یکسان، تصمیمات اهمیت بین حسابرسان، بین استفاده‌کنندگان اطلاعات و بین حسابرسان و استفاده‌کنندگان می‌تواند متفاوت باشد.

پروفسور لزی (Leslie, 1988)، مشکل فوق را چنین تشریح می‌کند:

«در واقع، در این جمله که «به‌نظر من صورتهای مالی، وضعیت مالی و... را به‌طور مطلوب ارائه می‌نماید»، محتوای اطلاعاتی زیادی وجود ندارد. به زبان ساده، ما از استفاده‌کنندگان می‌خواهیم که صادقانه بپذیرند که صورتهای مالی حاوی خطای بااهمیتی نیست. اما در انجام این تصمیم، سعی می‌کنیم که مبلغ آستانه‌ای که استفاده‌کننده بااهمیت می‌داند را حدس بزنیم و سپس آن را به‌عنوان یک راز نزد خود نگه داریم (حتی از خود استفاده‌کننده). ارتباط موثر مستلزم توافق بین دریافت‌کننده و فرستنده پیام در زبان مشترک است. هنگامی که حسابرس خدمات حرفه‌ای خود را به استفاده‌کننده ارائه می‌کند، باید درک مشترکی از پیام وجود داشته باشد. مثلاً آیا یک مهندس، پلی را بدون قرارداد مکتوب حاوی ویژگیهایی چون محل، ارتفاع، عمق و... می‌سازد؟ بنابراین آیا قبول یک حسابرسی، بدون توافق بر سطح اهمیت و درجه اطمینان مورد نیاز استفاده‌کنندگان توجیه‌پذیر است؟»

از این رووی پیشنهاد ارائه «گزارش اهمیت به استفاده‌کنندگان» را مطرح می‌سازد. ایشان دو روش برای افشای سطوح اهمیت پیشنهاد کرده است: افشای مبلغ اهمیت در

جدول ۱- مبلغ کمی اهمیت برای شرایط عادی

| متوسط جمع داراییها و فروش / درآمد | سطح اهمیت (درصد) |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| تا ۱ میلیارد ریال | ۳٪ |
| تا ۱۰ میلیارد ریال | نسبت به مازاد ۱ میلیارد ریال ۲/۵٪ |
| تا ۱۰۰ میلیارد ریال | نسبت به مازاد ۱۰ میلیارد ریال ۲٪ |
| تا ۱۰۰۰ میلیارد ریال | نسبت به مازاد ۱۰۰ میلیارد ریال ۱/۵٪ |
| بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال | نسبت به مازاد ۱۰۰۰ میلیارد ریال ۱٪ |

گزارش حسابرسی یا افشای در یادداشتهای توضیحی همراه صورتهای مالی.

برآورد اهمیت در ایران

با توجه به تعریف اهمیت، برآورد حسابرس از اهمیت، حداکثر اشتباهات و تحریفات است که می‌تواند در صورتهای مالی وجود داشته باشد و حسابرس کماکان بر این باور باشد که اشتباهات و تحریفات مزبور بر قضاوت و تصمیمگیری یک استفاده‌کننده منطقی تأثیری ندارد. برآورد حسابرس از اهمیت اشتباه قابل تحمل نیز نامیده می‌شود (کمیت‌ه تجدیدنظر دستورالعمل حسابرسی، ۱۳۸۶).

حسابرس در هر یک از مراحل زیر باید اهمیت را مورد توجه قرار دهد:

الف- تعیین نوع و ماهیت، زمانبندی اجرا و حدود روشهای حسابرسی.

ب- ارزیابی اثر اشتباهات و یا تحریفها.

حسابرس در برنامه‌ریزی حسابرسی، میزان قابل قبولی از اهمیت را مشخص می‌نماید تا بتواند اشتباهات و یا تحریفهای با اهمیت (کمی) را کشف نماید. اما هم مبلغ (کمیت) و هم ماهیت (کیفیت) اشتباهات و یا تحریفها باید مورد توجه قرار گیرد. برآورد اهمیت یکی از مهمترین تصمیماتی است که حسابرس بر مبنای قضاوت حرفه‌ای خود اتخاذ می‌کند. مطابق با دستورالعمل حسابرسی با نگرش به مدیریت خطر حسابرسی، مبلغ کمی اهمیت برای شرایط عادی بر اساس **جدول ۱** پیشنهاد شده است:

مطابق بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران، حسابرس هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روشهای حسابرسی و ارزیابی و گزارشگری نتایج حاصل باید خطر وجود

تحریف^۷ با اهمیت در صورتهای مالی که ناشی از **تقلب**^۸ یا **اشتباه**^۹ می‌باشد را در نظر گیرد. وجه تمایز بین تقلب و اشتباه، عمدی یا غیرعمدی بودن اقدامی است که به تحریف صورتهای مالی منجر شود. تقلب، بر خلاف اشتباه، عمدی است و معمولاً با کتمان آگاهانه حقایق همراه است (کمیت‌ه تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵).

تقلب و اشتباه و ویژگی آنها

تحریف در صورتهای مالی می‌تواند از تقلب یا اشتباه ناشی شود. «اشتباه» عبارت است از هرگونه تحریف سهوی در صورتهای مالی مانند:

• اشتباه در گردآوری یا پردازش اطلاعات مبنای تهیه صورتهای مالی.

• برآورد حسابداری نادرست ناشی از نادیده گرفتن یا تفسیر نادرست حقایق.

• اشتباه در به‌کارگیری استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا.

«تقلب» عبارت است از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیر قانونی (کمیت‌ه تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵).

تقلب ماهیتاً با اهمیت است. نکته اساسی این است که صرفنظر از زبانی که وارد آمده یا در آینده خواهد آمد، صرف وجود تقلب می‌تواند مخاطرات بزرگ و جدی در پی داشته باشد، مگر این که اقدامات تنبیهی صورت گیرد یا دست کم اقدامات پیشگیرانه به عمل آید (ارباب‌سلیمانی و کمالی‌زارع، ۱۳۸۵).

سیستم گزارشگری مالی در جلب اعتماد

عمومی همواره با بحرانهایی مواجه بوده است. افزایش شمار تقلب و تکرار مجدد آن که اغلب با ورشکستگی شرکتهای بزرگ (از قبیل انرون، ادلفیا، کواست، ورلدکام و...) در هم آمیخته، نگرانیهایی را درباره کیفیت صورتهای مالی به همراه داشته است. به همین جهت، پیشگیری یا کشف تقلبهای بااهمیت در صورتهای مالی همواره کانون توجه سرمایه‌گذاران، قانونگذاران، مدیران و حسابرسان بوده است. **گلین** (Glynn, 1974)، مدیر فنی انجمن حسابداران رسمی امریکا معتقد است:

«اگر موسسات حسابرسی، کشف تقلب را به‌عنوان مرکز ثقل خدمات خود قرار ندهند، نه تنها با خطر از بین رفتن اعتبار خود روبه‌رو خواهند بود بلکه بقای آنها نیز به خطر خواهد افتاد.»

طبق استاندارد حسابرسی شماره ۱ امریکا، حسابرس مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای حسابرسی را بر عهده دارد تا اطمینان معقول یابد که صورتهای مالی، عاری از تحریف بااهمیت ناشی از اشتباه و تقلب است.

انواع تقلب

تقلب از منظر منافع آن به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) **تقلب به نفع شرکت**: تقلباتی هستند که هدف از انجام آن فایده رساندن به خود سازمان می‌باشد. قیمتگذاری سودجویانه، مالیات‌گریزی، نقض قوانین حفاظت از محیط‌زیست، تبلیغات دروغین و کم‌فروشی از جمله تقلباتی هستند که هدفشان کمک‌رسانی مالی به خود شرکت است.

ب) **تقلب علیه شرکت** (تقلب مدیران):

تقلباتی هستند که به قصد زیان رساندن به سازمان و رسیدن منافع آن به خود مجرم صورت می‌گیرد. مانند سرقت داراییهای شرکت و اختلاس. این قبیل تقلبات را تقلب مدیران نیز می‌نامند (تیموری، ۱۳۸۶).

مطابق بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران، تقلب علیه شرکت شامل موارد زیر می‌باشد و حسابرس در بررسی تقلب می‌بایست این موارد را مدنظر قرار دهد:

۱- تحریف ناشی از گزارشگری مالی متقلبانه،

۲- تحریف ناشی از سوء استفاده از داراییها.

گزارشگری مالی متقلبانه با تحریف یا حذف عمدی مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی به منظور فریب استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی سروکار دارد. گزارشگری مالی متقلبانه می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف) فریبکاری از قبیل سندسازی و دستکاری یا تغییر سوابق حسابداری یا مدارک پشتوانه تهیه صورت‌های مالی.

ب) ارائه نادرست یا حذف عمدی رویدادها، معاملات یا سایر اطلاعات با اهمیت در صورت‌های مالی.

پ) به‌کارگیری نادرست استانداردهای حسابداری مرتبط با اندازه‌گیری، شناسایی، طبقه‌بندی، ارائه یا افشا، به عمد.

دست بردن در حسابها برای فزون‌نمایی سود، مثال دیگری است از تقلباتی که هدفشان نفع رساندن به شرکت است، ولی ممکن است از طریق پاداشهای مبتنی بر سود، بر درآمد مدیریت نیز بیفزاید.

سوء استفاده از داراییهای شرکت می‌تواند به روشهای گوناگون از قبیل: سرقت داراییهای ثابت، استفاده شخصی از منافع داراییهای شرکت، اختلاس دریافتها،

پرداخت وجه از بابت کالا و خدماتی که دریافت نشده است و... انجام شود و اغلب به منظور پنهان کردن، با سوابق و مدارک ساختگی و یا گمراه‌کننده همراه است (کمپته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵).

مرتکب‌شوندگان تقلب ممکن است مدیران ارشد، مدیران میانی، و مدیران اجرایی، به علاوه کارکنان رده‌های پایین‌تر باشند. اگر کنترل‌های داخلی مطابق استانداردهای حرفه‌ای کافی باشد، باز نباید فراموش کرد که مدیران سطح بالا می‌توانند کنترلها را نادیده بگیرند و مجازات نشوند، و چه بسا که چنین هم می‌کنند (تیموری، ۱۳۸۶).

حسابرسی تقلب^{۱۱} (قضایی) و حسابرسی مالی

حسابداران سنتی میان حسابرسی تقلب و حسابرسی مالی تمایز می‌بینند. آنها معتقدند حسابرسی تقلب، با رویکرد پیشگیرانه^{۱۲} در شناخت تقلب همراه است، یعنی حسابرسی تقلب تنها برای یافتن شواهدی حاکی از وقوع تقلب انجام می‌گیرد. حسابرسان تقلب (قضایی) آنگاه به صحنه وارد می‌شوند که نشانه‌ای از وقوع تقلب یا گمان تقلب به‌دست آمده باشد، که این خود پیامد ادعای مطرح شده، شکایت و یا کشف تقلب طی فرایند حسابرسی مالی است (تیموری، ۱۳۸۶).

با توجه به اینکه مدیران ارشد بیشترین دسترسی به داراییهای شرکت را دارند و می‌توانند به راحتی کنترل‌های داخلی شرکت را زیر پا بگذارند، بنابراین بیشترین خطر تقلب از همین رده مدیریت متوجه شرکت می‌باشد. مدیران ممکن است برای کتمان

تقلب از طرحهای پیچیده و سازمان‌یافته‌ای نظیر: جعل، ثبت نکردن عمدی معاملات، دادن اطلاعات نادرست به حسابرسان و... استفاده نمایند، در این حالت اگر حسابرسان تا اندازه‌ای گوش به زنگ باشند می‌توانند با احتمال بیشتری این قبیل تقلبات را کشف نمایند. در غیر این صورت، بنا به گفته خود حسابرسان، که کشف شدن نود در صد از تقلبات را تصادفی می‌دانند، احتمال کشف شدن ۱۰ در صد خواهد بود (تیموری، ۱۳۸۶).

آیا حسابرسان باید مسئول کشف تقلبات باشند؟

مسئولیت حسابرس برای کشف و گزارش تقلب در بیانیه شماره ۱۶ (SAS, 16) استانداردهای حسابرسی با عنوان مسئولیت حسابرس برای کشف خطاها و نادرستیا (۱۹۷۷)، و بیانیه شماره ۱۷ استانداردهای حسابرسی (SAS, 17) با عنوان اعمال خلاف قانون صاحبکاران (۱۹۷۷)، بر شمرده شده است. پیدایش این استانداردها نتیجه مستقیم مشکلات پدید آمده در روابط تجاری در نیمه‌های دهه ۱۹۷۰ است.

بیانیه شماره ۱۶ استانداردهای حسابرسی، حسابرس را ملزم می‌نماید به منظور کشف تحریف‌های با اهمیت ناشی از تقلب و یا اشتباه، یک برنامه‌ریزی صحیح ارائه نماید و عملیات حسابرسی را با مهارت و دقت کافی انجام دهد. اما مسئولیت حسابرس درباره اعمال خلاف قانون چندان مشخص نیست، زیرا حسابرسان حقوقدان نیستند که برای شناسایی اعمال خلاف قانون تربیت شده باشند. از آنان نمی‌خواهند که به جستجوی اعمال خلاف قانون بپردازند، بلکه

این را می‌خواهند که آگاه باشند که بعضی چیزها که حین رسیدگی به نظرشان رسد، ممکن است نشانی از این باشد که اعمال خلاف قانون وقوع یافته است. حسابرس اگر خطا، نادرستی، یا عمل خلاف قانون ببیند، باید آن را به مدیریت، و حتی بسته به اهمیتش، به هیئت‌مدیره شرکت یا کمیته حسابرسی آن گزارش کند. حسابرس همچنین مکلف است که اثر این‌گونه یافته‌ها را در صورتهای مالی ارزیابی کند، و اگر آن را بااهمیت یافت، تعدیل یا افشای بیشتر در صورتهای مالی را طلب کند، یا اظهارنظرش را مشروط گرداند.

در سال ۱۹۹۷ **هیئت استانداردهای حسابرسی**^۳ وابسته به انجمن حسابداران رسمی آمریکا در این راستا به سهم خود از طریق تدوین و انتشار بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی با عنوان «**ارزیابی تقلب در صورتهای مالی**»^۴ که جایگزین بیانیه شماره ۸۲ استانداردهای حسابرسی با همان عنوان شد، گام اساسی را برداشت. هر چند که استاندارد جدید مسئولیت حسابرسان را در قبال تقلب در صورتهای مالی نسبت به قبل تغییر نداد، اما مفاهیم، الزامات و رهنمودهای جدیدی را به منظور کمک به حسابرسان جهت ایفای مسئولیت خطیر خود در این زمینه معرفی کرد (AICPA, 1966).

بر اساس این بیانیه، تقلب فعلی عمدی است که به ارائه نادرست بااهمیت در صورتهای مالی مورد حسابرسی منجر می‌شود. تقلب معمولاً در صورت بروز سه وضعیت زیر رخ می‌دهد:

- ۱- مدیریت یا سایر کارکنان در پی انگیزه یا تحت فشار خاصی مرتکب تقلب می‌شوند.
- ۲- وضعیت موجود مثل نبودکنترل، نامناسب بودن کنترلهای موجود و یا توانایی مدیریت

برای زیر پا گذاشتن کنترلهای، فرصتی را برای ارتکاب تقلب فراهم می‌کند.

۳- افرادی که مرتکب اعمال متقلبانه می‌شوند قادر به توجیه عمل خود هستند و بعضی از این افراد دارای نگرش، ویژگی یا مجموعه‌ای از اصول اخلاقی هستند که به آنها اجازه می‌دهد تا آگاهانه و عمدتاً تخلفاتی را مرتکب شوند (Kapardis, 2002).

در اکثر منابع سه وضعیت مزبور را در چارچوب مثلثی که در اصطلاح مثلث تقلب نامیده می‌شود، نشان می‌دهند.

بیانیه شماره ۹۹ استانداردهای حسابرسی، افق جدید را در مورد الزامات حسابرسی گشوده است، به طوری که حسابرسان با به‌کارگیری این بیانیه وارد عرصه وسیعی از روشهای حسابرسی برای کشف تقلب خواهند شد. استاندارد جدید در پی آن است که ارزیابی تقلب توسط حسابرسان با فرایند حسابرسی آمیخته شود و این ارزیابی تا پایان عملیات حسابرسی به‌طور مستمر مورد بازنگری قرار گیرد. این بیانیه فرایندی را نشان می‌دهد که در آن حسابرس:

۱- اطلاعات لازم را برای شناخت احتمال خطر گزارشگری متقلبانه، جمع‌آوری می‌کند.

۲- خطر مزبور را پس از ارزیابی برنامه‌ها و کنترلهای واحد مورد رسیدگی، برآورد می‌کند.

۳- واکنش مناسبی نسبت به نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد.

بر اساس بیانیه یادشده، حسابرس در مقایسه با گذشته باید اطلاعات بسیار زیادی را به منظور برآورد احتمال خطر تقلب جمع‌آوری کند و مورد ارزیابی قرار دهد.

استاندارد جدید، ضمن اینکه گام مهمی

برای بسط وظایف اعضای گروه حسابرسی در برنامه‌ریزی و انجام حسابرسی است، به عنوان یکی از اجزای برنامه‌های جامع ضد تقلب انجمن حسابداران رسمی آمریکا نیز تلقی می‌شود. از دیگر گامهای آغازین در مورد تقلب می‌توان به سخنرانی **باری سی ملانکن** (Barry C. Melancon) رئیس انجمن حسابداران رسمی آمریکا در نیویورک در تاریخ ۴ سپتامبر ۲۰۰۲ اشاره کرد. وی در این سخنرانی بر الزام و تعهد انجمن حسابداران رسمی آمریکا نسبت به تقویت اعتماد عمومی سرمایه‌گذاران از طریق ارتقای کیفیت حسابرسی و احیای ارزشهای حرفه‌ای تاکید کرد. به اعتقاد ایشان:

«**افرادی که موفق به ارتکاب تقلب و پنهان کردن آن می‌شوند، همواره با روشهای حسابرسی که به طور معمول توسط حسابرسان اجرا می‌شود، آشنا هستند**» (Ramos, 2003).

مسئولیت حسابرس در رابطه با تقلب و اشتباه در حسابرسی صورتهای مالی در ایران

مطابق بخش ۲۴ استانداردهای حسابرسی ایران:

۱- حسابرس هنگام برنامه‌ریزی و اجرای روشهای حسابرسی و ارزیابی و گزارشگری نتایج حاصل باید خطر وجود تحریف بااهمیت در صورتهای مالی که ناشی از تقلب یا اشتباه می‌باشد را در نظر گیرد.

۲- چنانچه حسابرس با هر یک از موارد زیر برخورد کند باید آن را به موقع به سطح مناسبی از مدیران اجرایی اطلاع دهد و ضرورت گزارش آن به هیئت‌مدیره یا مجمع عمومی را مورد توجه قرار دهد:



در حال حاضر

کشورهای پیشرفته با به کارگیری حسابرسی مبتنی بر مدل ریسک توانسته‌اند

تنها تا حدودی خطر عدم کشف را کاهش دهند

ولی به دلیل وجود محدودیت‌های ذاتی حسابرسی

همچنان وجود این خطر

اثر بخشی فرایند حسابرسی را به مخاطره می‌اندازد

الف) شناسایی تقلب حتی در شرایطی که به تحریف با اهمیت در صورتهای مالی منجر نشده باشد.

ب) کسب شواهدی که بیانگر امکان وجود تقلب است حتی اگر اثر بالقوه‌ی آن بر صورتهای مالی با اهمیت نباشد (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۵).

همچنین مطابق دستورالعمل حسابرسی با نگرش به مدیریت خطر حسابرسی، حسابرس ملزم می‌باشد:

«در مواردی که آثار مالی ناشی از اشتباهات و یا تحریف‌ها کمتر از حدود اهمیت است، اما بر اساس نظر حسابرس نیاز به درج آن در گزارش باشد (وجود موارد با اهمیت از نظر کیفی)، موضوع باید به عنوان بند تأکید بر مطلب خاص (بعد از اظهار نظر) گزارش شود» (کمیته تجدیدنظر دستورالعمل حسابرسی، ۱۳۸۱).

از طرف دیگر عموماً در ایران حسابرسان به عنوان بازرس قانونی شرکتها انتخاب می‌شوند، بنابراین به استناد ماده ۱۵۱ اصلاحیه قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴: «بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتیکه ضمن انجام ماموریت خود

از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیتدار اعلام نموده و نیز جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند» (منصور، ۱۳۸۵).

نتیجه‌گیری

در حال حاضر، کشورهای پیشرفته با به کارگیری حسابرسی مبتنی بر مدل ریسک توانسته‌اند تنها تا حدودی خطر عدم کشف را کاهش دهند، ولی به دلیل وجود محدودیت‌های ذاتی حسابرسی، همچنان وجود این خطر، اثر بخشی فرایند حسابرسی را به مخاطره می‌اندازد.

مفهوم اهمیت در حسابرسی، کلیه مراحل فرایند حسابرسی را در بر می‌گیرد. به دلیل وجود محدودیت‌های ذاتی حاکم بر فرایند حسابرسی از قبیل رسیدگی نمونه‌ای به شواهد و مدارک، حسابرسان به منظور کسب اطمینانی معقول از نبود اشتباه یا تحریف با اهمیت در صورتهای مالی، عمدتاً به دنبال کشف تحریفهای با اهمیت می‌باشند. همچنین درج عبارت «از تمام جنبه‌های با اهمیت» در بند اظهار نظر گزارش حسابرسی حاکی از آن است که حسابرس تنها به موضوعاتی توجه دارد که نسبت به صورتهای مالی با اهمیت باشد. از طرفی مدیران ممکن است برای کتمان

تقلب از طرحهای پیچیده و سازمان یافته‌ای چون جعل، ثبت نکردن عمدی معاملات یا دادن اطلاعات نادرست به حسابرس، استفاده نمایند. بنابراین خطر عدم کشف تحریفهای ناشی از تقلب به مراتب بیش از خطر عدم کشف تحریفهای ناشی از اشتباه می‌باشد. مدیرانی که به مفهوم اهمیت در حسابرسی واقف می‌باشند ممکن است تقلبات خود را در قالب معاملاتی که از دیدگاه حسابرسان کم اهمیت تلقی می‌شود گزارش نمایند و توجه کمتر حسابرسان به موارد کم اهمیت منجر به عدم کشف این تقلبات گردد. همین امر می‌تواند اثر بخشی فرایند حسابرسی را به مخاطره انداخته و منجر به سلب اعتماد عمومی، تحریف شهرت حرفه‌ای، گسترش بی‌عدالتی و در نهایت آسیب اجتماعی شود.

ترس از دستگیری و مقصر شناخته شدن، از مهمترین عوامل کاهش فساد است، بنابراین وجود یک حسابرسی مستقل، می‌تواند به عنوان یک مکانیزم کنترلی، در راستای کشف تقلب و فساد مالی محسوب شود. با توجه به مسئولیت قانونی و حرفه‌ای حسابرسان مستقل، به منظور ارتقای اثر بخشی فرایند حسابرسی، رعایت موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- ماهیت اقلام (ویژگیهای کیفی) از قبیل:

2006, (SAS 107)

• Arens, A. A. & J. K. Loebecke, **Auditing an Integrated Approach**, Prentice-Hall, 1997

• Carmichael and Willingham, **Auditing Concept and Methods**, McGraw Hill, 1986

• Financial Accounting Standard Board (FASB), **Discussion Memorandum: An Analysis of Issues Related to Criteria for Determining Materiality**, Stanford, 1975

• Financial Accounting Standard Board (FASB), **Statement of Financial Accounting Standard, Concept No. 2, Qualitative Characteristics of Accounting Information**, 1980

• Glynn, M. P., Technical Manager for the AICPA's Audit & Attest Standards, **Basic Legal Concepts**, <http://www.aicpa.org/pubs/jofa/oct, 2004>

• Institute of Chartered Accountants in Australia, **Materiality in Financial Statements**, General Council of The Australian Society of Accountants, 1974

• International Federation of Accountants Committee (IFAC), **Accounting International Study Group (AISG)**, 1974

• Kapardis, M., **A Fraud Detection model: A Must for Auditors**, Journal of Financial Regulation and Compliance, 2002, Vol. 10, No. 3

• Leslie, D. A., **Materiality: the Concept and its Application to Auditing**, CICA, Toronto 1988, pp. 38-9

• Pattilo, J. A., **The Concept of Materiality in Financial Reporting**, Financial Executive Research Foundation, 1976

• Ramos, M., **Auditors Responsibility for Fraud Detection**, Journal of Accountancy, Vol. 195, No. 1, January 2003, pp. 28-36

11. Fraud Auditing

12. Proactive Approach

13. Auditing Standard Board (ASB)

14. Consideration of Fraud in Financial Statement Audit (SAS) No. 99

منابع:

• علی نیکخواه آزاد، **بیانیه مفاهیم بنیادی حسابرسی**، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ دوم، نشریه ۱۲۱، ۱۳۷۹

• حبیب‌آبادی... تیموری، **حسابرسی تقلبات و کارشناسی مالی (حسابداری) دادگاهی**، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ اول، نشریه ۱۸۸، ۱۳۸۶

• عباس ارباب‌سلیمانی و علی کمالی‌زارع، **حسابرسی داخلی**، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ دوم، نشریه ۱۷۴، ۱۳۸۵

• زارعی، حسین، **تحقیقی پیرامون مفهوم اهمیت در فرایند گزارش‌دهی حسابرسی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴

• کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، **استانداردهای حسابرسی**، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ ششم، ۱۳۸۵

• کثیری، حسین و یحیی حساس‌یگانه، **مفهوم اهمیت در حسابرسی و تأثیر آن بر اظهار نظر حسابررس**، فصلنامه حسابررس، شماره ۱۹، صفحه ۶۲، ۱۳۸۲

• منصور، جهانگیر، **قانون تجارت**، تهران، انتشارات دیدار، چاپ چهل و چهارم، ۱۳۸۵

• امیر اصلانی، حامی، **نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت**، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ دوم، نشریه ۱۵۹، ۱۳۸۴

• هیئت تدوین استانداردهای حسابداری، **مبانی نظری حسابداری و گزارش‌گری مالی در ایران**، انتشارات سازمان حسابرسی، چاپ سوم، نشریه ۱۱۳، ۱۳۸۵

• علی یارساتیان، **تئوریه‌های حسابداری**، انتشارات ترمه، جلد اول، ۱۳۸۴

• AICPA, **Big Five Audit Materiality Task Force & SEC Staff Accounting Bulletin**, 1999, No. 99, (SAB 99)

• AICPA, **Codification of Statement of Auditing Standard, Audit Risk and Materiality in Conducting an Audit**, 1983, (SAS 47)

• AICPA, **Codification of Statement of Auditing Standard, Audit Risk and Materiality in Conducting an Audit**,

قابلیت اندازه‌گیری، عمدی یا غیر عمدی بودن، عادی یا غیرعادی (استثنایی) بودن قلم مورد قضاوت، تخطی از الزامات قانونی، فراگیر بودن آثار قلم مورد قضاوت بر اقلام صورتهای مالی، ارتباط قلم مورد قضاوت با معاملات اشخاص وابسته و معاملات شبهه‌دار، ارتباط قلم مورد قضاوت با احتمال خطر حسابرسی و... در تعدیل سطح اهمیت مورد توجه قرار گیرد.

۲- ماهیت کیفی تحریفهایی که آثار مالی آنها کمتر از رقم اهمیت می‌باشد بررسی شود و در صورت با اهمیت بودن این اقلام از نظر کیفی (نظیر: عمدی بودن تحریف، تخطی از الزامات قانونی، اختلاس و...) به عنوان تأکید بر مطلب خاص در گزارش حسابررس درج گردد.

۳- به منظور آگاهی استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی، مبلغ اهمیت استفاده شده به عنوان مبنای قضاوت، در گزارش حسابرسی و یا در یادداشت‌های توضیحی همراه صورتهای مالی افشا شود.

۴- آموزش مناسب و مستمر حسابرسان جهت به‌کارگیری صحیح استانداردهای تدوین شده و تقویت روحیه کشف‌کنندگی در آنها به منظور ارتقای اثربخشی فرایند حسابرسی انجام گیرد.



پانوشتها

1. Materiality
2. Concepts
3. Accounting Principle Board (APB#4)
4. Modifying Conventions
5. FASB, Statement of Financial Accounting Concepts, No.2, par. 132.
6. Discussion Memorandum
7. Misstatement
8. Fraud
9. Error
10. Enron, Adelphia, Qwest, Worldcom